

بررسی و نقد نظریه شکل‌گیری تشیع فقهاتی

در عصر صادقین علیهم‌السلام

که سیدمجتبی جلالی^۱

که محمدجواد یاوری سرتختی^۲  10.61186/HAS.2024.1284.1057

که سعید صفی شلمزاری^۳

چکیده

تاریخ شکل‌گیری تشیع فقهاتی از دیرباز محل توجه مورخان مسلمان و خاور پژوهان غیرمسلمان بوده و دیدگاه‌های برون و درون‌دینی متعددی در این باره مطرح شده است. مسئله اصلی پژوهش مبدأ زمانی ایجاد تشیع فقهاتی است. نوشتار حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای بر آن است تا با بررسی دیدگاه شکل‌گیری تشیع فقهاتی در عصر صادقین علیهم‌السلام با نگاهی درون‌دینی، هم‌زمانی شکل‌گیری تشیع اعتقادی و فقهاتی با عصر نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اثبات کند. از یافته‌های پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. ایجاد و شکل‌گیری مبانی مذهب تشیع در عصر نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تداوم آن در تأسی سیاسی و دینی از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛ ۲. شواهد تاریخی و کتاب‌های فقهی شاهد و مؤید بر وجود دیدگاه‌های فقهی و مراجعات مردمی به امام علی علیه‌السلام به‌عنوان دلیل انتخاب این دیدگاه؛ ۳. انتشار روایات و آثار با یاری شیعیان در قالب متون فقهی در عصر صادقین علیهم‌السلام با توجه به وجود شرایط خاص تقیه با هدف حراست از میراث تشیع.

واژگان کلیدی: تشیع، تشیع فقهاتی، تشیع اعتقادی و امامتی، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عصر صادقین علیهم‌السلام.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد، s.m.jalali@sku.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم قم (نویسنده مسئول)، javadyavari@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق دانشگاه شهرکرد، safi@art.sku.ac.ir

تاریخ تأسیس و چگونگی شکل‌گیری مذهب تشیع از دیرباز محل توجه مورخان و متکلمان مسلمان و سپس مستشرقان بوده و دیدگاه‌های غیرعلمی و برون و درون‌دینی در این باره را مطرح کرده‌اند. اندیشمندان شیعه نیز با توجه به اهمیت بحث و پیوند آن با هویت خویش به نقد این دیدگاه‌ها پرداخته و دیدگاه صحیح را با تکیه بر مبانی کلامی و اسناد و شواهد تاریخی بیان کرده‌اند.

اهمیت این مطلب از آنجاست که موضوع تاریخ و چگونگی شکل‌گیری تشیع تنها یک پرسش تاریخی نیست؛ بلکه یک پرسش هویتی است؛ بدین معنا که شیعیان با پاسخ به این پرسش علاوه بر ابطال دیدگاه ناصواب به تبیین هویت خویش می‌پردازند.

از نظر پیشینه، مورخان و متکلمان مسلمان و مستشرقان دربارهٔ زمان شکل‌گیری تشیع اعتقادی و فقهاتی دیدگاه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند. هرکدام از این گروه‌ها با تکیه بر نگرش و استناد به منابع متقدم و معاصر در زمینه‌های تاریخ، حدیث، رجال و ملل و نحل به اظهار نظر پرداخته تا بتوانند قدرت و ماهیت تشیع در مدیریت جهانی را تجزیه و تحلیل کنند؛ چنان‌که طبق گفتهٔ فرانسوا توال در کتاب ژئوپولوتیک شیعه: «تجزیه و تحلیل به قدرت رسیدن جوامع شیعی در جهان می‌طلبد که شناختی از تاریخ دور و نزدیک این مذهب داشته باشیم.» (فرانسوا توال، ۱۳۷۰ ش، مقدمهٔ کتاب). به لحاظ پیشینهٔ پژوهش‌های آثاری چون «مبانی کلامی فقه سیاسی شیعه» نوشتهٔ منصور میراحمدی، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، آینهٔ معرفت، س ۴، ش ۷، ص ۱۸ تا ۴۱؛ «ردپای ترکیبات در فقه شیعی» نوشتهٔ محمدجواد محمدحسینی، بهار و تابستان ۱۳۹۳، تاریخ علم، س ۱۲، ش ۱، ص ۷۳ تا ۹۴؛ «نگاهی به مراحل تکامل فقه شیعه» نوشتهٔ احمد مبلغی، پاییز ۱۳۸۲، فقه، س ۱۰، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۲۷۴ تا ۳۴۰؛ «جریان‌شناسی تطورات پیشینه‌گرایی در فقه شیعه» از اصغر آقامهدوی و همکاران، ۱۳۹۶، پژوهش‌نامهٔ میان‌رشته‌ای فقهی، س ۶، ش ۱۱، ص ۷۱ تا ۹۶ و... به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند که به‌رغم ارزشمندی محتوا، از جهت موضوع، یعنی تأسیس مکتب شیعی و محتوا، یعنی توجه به داده‌ها و یافته‌های جدیدتر، با اثر حاضر تفاوت دارند.

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: آنچه به عنوان تشیع فقهاتی وجود دارد در چه دوره‌ای ایجاد شده است؟ به دنبال آن سؤالات فرعی چون وقوع شکل‌گیری تشیع فقهاتی در عصر صادقین علیهم‌السلام و همچنین عصر نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ظهور حداکثری آن در زمان صادقین علیهم‌السلام و علل این ظهور و وجودش به عنوان امری بدیع در عصر پس از آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح می‌شود.

پژوهش در حوزه بحث حاضر یعنی تشیع فقهاتی عصر صادقین علیهم‌السلام یا اعتقادی عصر نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به طور کلی می‌تواند بر فرضیه‌های ذیل استوار باشد: ا. شکل‌گیری مفهوم تشیع در عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ ب. شکل‌گیری تشیع بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

این نوشتار به صورت توصیفی تحلیلی بر آن است تا با بررسی و نقد دیدگاه شکل‌گیری تشیع فقهاتی در عصر صادقین علیهم‌السلام با نگاهی درون‌دینی هم‌زمانی شکل‌گیری تشیع اعتقادی و فقهاتی را تبیین کند.

۱. شکل‌گیری مفهوم تشیع اعتقادی در بستر زمان

مورخان و متکلمان مسلمان و مستشرقان درباره زمان شکل‌گیری تشیع اعتقادی و فقهاتی دیدگاه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند. هرکدام از این گروه‌ها با تکیه بر نگرش و استناد به منابع متقدم و معاصر در زمینه‌های تاریخ، حدیث، رجال و ملل و نحل به اظهارنظر پرداخته تا بتوانند سابقه شکل‌گیری تشیع را تجزیه و تحلیل کنند.

در پیدایش تشیع دو دیدگاه تصور می‌شود:

ا. شکل‌گیری مفاهیم بنیادین تشیع همانند امامت و پیروی از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛

ب. شکل‌گیری مذهب تشیع بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

دیدگاه اول مقبول شیعیان است و می‌توان با تکیه بر مبانی کلامی و اسناد تاریخی (نک: کلینی، ۱۳۶۲ش: باب الحجه؛ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد) آن را اثبات کرد؛ زیرا تبیین این نظریه علاوه بر اثبات حقانیت این مذهب خط بطلانی بر ادعاهای دیگر است. آنان معتقدند علاوه بر تبیین مفاهیم بنیادین شیعه در عصر نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تشیع استمرار دین اسلام است. در این دیدگاه شیعیان و حتی برخی از غیرشیعیان بر این

باورند که مفهوم و مصادیق شیعه در عصر رسول خدا ﷺ و به دست ایشان شکل گرفته است؛ از جمله قائلان این دیدگاه شیخ صدوق (نک: فضائل الشیعة)، کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، ۱۴۱۰: ۱۸۴)، محمدحسین مظفر (مظفر، ۱۳۷۹: ۸ و ۹)، محمدحسین زین عاملی (زین عاملی، بی تا: ۱۷ و ۱۸)، سیوطی (سیوطی، بی تا: ج ۶، ۳۱۷)، احمد امین (امین، ۲۰۰۳: ج ۳، ۲۰۹) و محسن امین (امین، ۱۴۰۳: ج ۱، ۲۷ و ۲۸) هستند.

مبنای این دیدگاه روایات صادره از رسول خدا ﷺ و حضرت زهرا علیها السلام درباره منزلت شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و رفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اعتقادات شیعیان آن دوره به مقام مفترض الطاعة بودن امام علی علیه السلام است (مدنی شیرازی، ۱۳۹۷ق: ۴۵۲). پیوند بین امامت و نبوت با تکیه بر حفاظت و اجرای دین توسط ائمه علیهم السلام و یکسانی اندیشه شیعه با اسلام (صدر، ۱۴۱۷ق: ۵۸ تا ۶۳) و شواهد تاریخی در معرفی ایشان به جانشینی همانند حدیث منزلت و غدیر (علم الهدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ۱۳۱؛ مالک بن انس، ۱۴۰۶، ج ۲، ۹۹۲) حاکی از اعطای ولایت و جانشینی الهی از سوی رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند.

براساس این دیدگاه دعوت به تشیع از همان روزی آغاز شد که حضرت محمد ﷺ بانگ کلمه «لا اله الا الله» را در دره ها و کوه های مکه برآورد (مظفر، ۱۳۷۹: ۴۱)؛ زیرا وقتی آیه «وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء، ۲۱۴) نازل شد پیامبر اکرم ﷺ بنی هاشم را گرد آورده، به آنان هشدار داده، دل آنان را از عذاب خداوند بيمناک ساخته و به آنان فرمودند: «هر کدام از شما مرا یاری دهد او وصی و خلیفه من در میان شما باشد.» در این هنگام هیچ یک از حاضران جز علی علیه السلام به درخواست آن حضرت ﷺ پاسخ مثبت نداد (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۳، ۸۶۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۶۳۲). براساس آنچه درباره دیدگاه اول ذکر شد دیدگاه دوم از نگاه شیعیان مردود است. آنان معتقدند شیعه پس از رحلت رسول خدا ﷺ و تحت تأثیر ماجرای سقیفه به وجود آمد. این گروه تفاوت موضع شیعیان با جریان حاکم پس از سقیفه و متمایز شدن صف پیروان امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جریان حاکم را عامل اصلی شکل گیری تشیع می دانند؛ زیرا گروهی از انصار و مهاجر از بیعت با ابوبکر خودداری کرده و به علی بن ابی طالب علیه السلام اظهار تمایل کردند. آنان استدلال می کنند که عده ای از صحابه در روز سقیفه آشکارا گفتند: «علی علیه السلام باید بر سایرین مقدم باشد.» یعقوبی (یعقوبی، ۱۴۲۵، ج ۲، ۱۲۴ تا ۱۲۶)، ابن خلدون (ابن خلدون، ۱۴۰۶: ج ۱، ۲۴۷ و ج ۲، ۴۸۷)، امین (امین، ۱۹۳۳: ۱۶۶)، مستشرقانی چون گلدتیسهر (گلدتیسهر،

بی تا: ۱۷۴) و خانم آر لالانی (لالانی، ۱۳۸۱: ۹) و دوایت م. دونالدسن (دوایت، ۱۴۱۰: ۱۹) و برخی دیگر از جمله این افرادند.

در بررسی و تحلیل و نقد این نوع نگاه می توان گفت که این گروه بر این باورند که نزاع برای کسب قدرت سیاسی بعد از وفات پیامبر ﷺ به عنوان عامل اصلی شکل گیری تشیع و افتراق امت اسلامی است و مفهوم آن این است که مذهب تشیع هیچ گونه سابقه مفهومی و تاریخی و مبانی اعتقادی و کلامی ندارد. به عبارت دیگر نتیجه این سخنان نادیده گرفتن وقایع تاریخی در اثبات شکل گیری مفهوم شیعه همانند واقعه غدیر غم و تلاش پیامبر ﷺ برای بیان جانشینی امام علی ﷺ در مقاطع مختلف تاریخ است.

همچنین در نقد این دیدگاه مشکل است بتوان گفت که این عده پس از رسول خدا ﷺ بدون هیچ مقدمه ای عقیده داشتند که امام علی ﷺ استحقاق امامت را دارد؛ زیرا آنان براساس شواهد تاریخی به دفاع از وصایت و علم و عصمت ایشان برای خلافت استناد کردند (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق: ۲۳۸؛ ابن باویه قمی، ۱۳۹۸: ۲۷۰). از دیگر دلایل باطل بودن این دیدگاه و صحت شکل گیری مفهوم و مبانی تشیع در عصر رسول خدا ﷺ سخنان نوبختی است که می نویسد: «نخستین همه فرقه ها شیعه است. آنان گروه طرف دار علی بن ابی طالب ﷺ هستند که در روزگار رسول خدا ﷺ و پس از آن به دل سپردن به او و عقیده به امامت وی مشهور بودند.» (نوبختی، ۱۳۵۳: ۱۷). نیز در ادامه باید افزود که رویداد سقیفه یک رویداد سیاسی و اجتماعی در امر جانشینی است و هیچ ارتباطی با شکل گیری مفهوم تشیع ندارد. در این رویداد طرف داران هر دو حزب با در نظر گرفتن پیشینه های فکری و تاریخی به دفاع از نماینده خود پرداختند.

۲. وجوب اطاعت از امام معصوم ﷺ

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی شیعه پیروی در رفتار و گفتار ائمه اطهار ﷺ از اصول اساسی تشیع است. شیعیان اعتقادی اطاعت از امام معصوم ﷺ را واجب دانسته و تلاش می کنند تا با به کارگیری فرامین آنان فرهنگ نبوی ﷺ و علوی ﷺ را گسترش دهند؛ فرهنگی که حتی شیعیان محبتی و سیاسی نیز بر قدرت مفهوم و معنای آن اعتراف کرده و تلاش می کنند تا خود را در شمار شیعیان به حساب آورند.

یکی از دلائل ماندگاری و گسترش تشیع اعتقاد به اطاعت محض از ائمه اطهار علیهم السلام است. این اعتقاد که حداقل اعتقادات شیعه است از همان آغاز ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علیه السلام مورد توجه پیروان وی قرار گرفت. امامان شیعه علیهم السلام نیز خود بر این امر تأکید داشته و آن را تبلیغ می کردند؛ زیرا مسیر اطاعت از آنان بهشت جاودان و غیر آن مسیر ضلالت است. تأکید روی وجوب اطاعت از امام معصوم علیه السلام آن چنان تأثیرگذار بود که گرگوس بن هانی بکری از قبیله ربیعیه خطاب به سپاهیان و قوم خود در جنگ صفین گفت:

«ای مردم، به خداوند تعالی سوگند ما از آن دم که از معاویه بیزاری جستیم هرگز او را به دوستی نگرفته ایم و از آن لحظه که علی علیه السلام را به دوستی برگزیدیم هرگز از او دل زده نشده ایم. بی گمان علی علیه السلام را از پروردگار خویش برهانی است که جز به داد رفتار نکرده است و هر برحق دادگر است. هرکه به فرمان او سر سپارد نجات یابد و هرکه از فرمان او سر پیچد هلاک شود.» (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق: ۴۸۵).

چنان که امام حسن مجتبی علیه السلام نیز خطاب به کسانی که وی را به جهت صلح با معاویه ملامت می کردند فرمودند: «آیا نمی دانید که من امام شما هستم و اطاعت من بر شما واجب است و یکی از دو تن آقایان جوانان اهل بهشتم (به تصریح و نص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم)؟ گفتند: آری.» (ابن خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۲۲۵).

پذیرش وجوب اطاعت از امامی که فرستاده خداوند تعالی، وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، معصوم و صاحب علم بوده، علاوه بر برانگیختن خرد و فطرت هر عاقلی مروج تحقیق درباره نمونه عینی صاحب این مقام است؛ چنان که نجاشی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام در میانه نبرد صفین خطاب به برخی از اصحاب امام علیه السلام گفت: «آیا رواست که ما از امامی که خداوند تعالی حق او را بر ما واجب کرده نافرمانی کنیم و مردم شام از چنان گردن کشانی به جان و دل اطاعت کنند؟!» (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق: ۴۳۵)؛ بنابراین شیعیان با دیدن سیره امیرالمؤمنین علیه السلام و تطبیق آن با این منطق وی را به رهبری خود پذیرفته و بستگان و طایفه خود را به حمایت و پیروی بدون چون و چرا از چنین کسی دعوت می کردند.

نتیجه این تلاش معرفی امام برحق و گسترش اندیشه تشیع در سال های بعد بود. در دوره های بعد شیعیان با بررسی مفهوم و مصداق امام مفترض الطاعه امام بعدی را تشخیص

می‌دادند؛ چنان‌که اسماعیل بن جابر روزی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و تقاضا کرد تا دین خود را به ایشان عرضه کند. وی بعد از ارائهٔ دیگه خود دربارهٔ توحید و نبوت اعتقاد به امامت ائمهٔ اطهار علیهم السلام و واجب بودن اطاعت از آنان را مطرح و امام علیه السلام نیز ایمان وی را تأیید کردند (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۱۸۸). نیز منصور بن حازم (کشی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۷۱۹) و حسین بن ابی‌علاء باورشان دربارهٔ وجوب اطاعت از ائمهٔ اطهار علیهم السلام را مطرح کردند (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۱۸۷).

در بازخوانی مناشده (تقارن طلب و سؤال) امیرالمؤمنین علی علیه السلام با خلفا و اعتراف‌گیری از اصحاب خویش دربارهٔ ماجرای غدیر به شواهدی از گواهی دادن اصحاب بر این اعتقاد برمی‌خوریم؛ چنان‌که ابوذر، مقداد، عمار، زید بن ارقم و براء بن عازب خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفتند:

«ما گواهیم و حافظ فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله هستیم که بر منبر ایستاده بودند و شما در کنار ایشان بودید و می‌فرمودند: "به‌راستی خداوند تعالی به من دستور داده برای شما امام نصب کنم و بعد از من خداوند تعالی در قرآن اطاعت او را بر مؤمنان واجب کرده و قرین اطاعت خود و من قرار داده. ای مردم، خداوند تعالی در قرآن شما را به ولایت دستور داده و به‌راستی من گواهم که منظور خصوص همین است. [و دست خود را روی شانهٔ علی بن ابی‌طالب علیه السلام گذاشت.] سپس امامت برای دو پسر اوست. سپس برای اوصیای بعد از او از فرزندان آنان است. آنان از قرآن جدا نشوند و قرآن از آنان جدا نشود تا آنکه بر سر حوض بر من وارد شوند."» (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵: ۶۴۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۷۷).

همچنین بعد از سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جریان صفین و قبل از خروج به سمت شام اصحاب سخنانی در یاری امام علیه السلام گفتند؛ از جمله سهل بن حنیف که گفت:

«ای امیر مؤمنان علیه السلام، ما با هرکه تو با او صلح کنی بر سر صلحیم و با هرکه تو با او بجنگی در جنگیم و رأی ما همان رأی شما است. ما در اختیار تو هستیم. [...] هیچ‌یک با تو اختلافی نداریم. هرگاه ما را بخوانی پاسخت می‌دهیم و هر دم بفرمایی فرمانت را گوش می‌دهیم.» (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق: ۹۳).

و جوب اطاعت امام معصومی که از سوی خداوند عز و جل و رسول وی صلی الله علیه و آله به مردم معرفی شده آن قدر تأثیرگذار است که خواص و بزرگان از شیعیان با پذیرش آن قوم خود را به اطاعت از آن نیز دعوت می کردند؛ چنان که حजर بن عدی در واقعه صفین درباره ارادت خاندانش به امیرالمؤمنین علی علیه السلام، گفت:

«ای امیر مؤمنان علیه السلام، ما فرزند جنگ و مرد پیکاریم. زمام به فرمان برداری از شما و شنوایی فرمان شما سپرده. اگر ما را به خاور و باختر بخوانی می رویم و هر فرمان که شما دهید انجام می دهیم. علی علیه السلام فرمودند: «آیا رأی تمام افراد قوم تو چون رأی تو است؟» گفت: «من از ایشان جز نیک ندیده ام و اینک این دو دست من است که از جانب ایشان به شنوایی فرمان و اطاعت از تو فرا می آورم و در دست شما می نهم.» علی علیه السلام به او فرمودند: «خیر است.» (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق: ۱۰۴).

اکنون با تکیه بر وجود اخبار دال بر وجوب اطاعت از امام معصوم علیه السلام از همان آغاز تشیع می توان گفت که با پذیرش شکل گیری مفهوم تشیع در عصر نبوی صلی الله علیه و آله، وجوب اطاعت از امام معصوم علیه السلام بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به معنای شکل گیری منابع و مفاهیم اعتقادی و فقهی آن نیز است؛ بنابراین بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله روند عمل به دستورات ائمه اطهار علیهم السلام آغاز شده و شیعیان در اولین گام برخورد با مصداق امام علیه السلام تلاش داشتند تا با برقراری حکومت علوی علیه السلام احکام حکومت وی نیز اجرا شود؛ اما از آنجاکه تشکیل حکومت فراهم نشد شیعیان با مراجعه به امام خویش و دریافت احکام فقهی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به پیروی از ولایت عینیت می بخشیدند.

۳. بررسی نظریه زمان شکل گیری تشیع فقهی

رشد علوم شیعی توسط صادقین علیهم السلام و کثرت فعالیت های علمی آنان برای تبیین مرزهای اعتقادی شیعه و نشان دادن مبانی رفتار دینی در قالب فقه شیعه سبب شده تا برخی از مورخان و خاورشناسان تصور کنند که شکل گیری تشیع فقهی چه در تدوین و چه در پیروی شیعیان از آراء فقهی آن به این عصر ارتباط دارد. به عبارت دیگر شکل گیری تشیع و منابع فقهی آن از این زمان بوده است. از دیدگاه ایشان اندیشه وصیت بر امام سابقه ای قبل از امام صادق علیه السلام ندارد؛ بلکه این تفکر به دست آن حضرت علیه السلام و شاگردان مشهورش

چون هشام در بین شیعیان پدید آمد و ازسوی ائمه دیگر علیهم السلام پیگیری شد (عبدالرزاق، بی تا: ۱۵۸).

در نگاه ابتدایی به نظریه شکل گیری تشیع فقهاتی در عصر صادقین علیهم السلام به نظر می رسد مبنای این ادعا این سخن باشد که چون بسیاری از احادیث فقهی شیعه از امام صادق علیه السلام روایت شده و مستندات فقه شیعه از ایشان بیش از سایر امامان علیهم السلام است و از دیگر سو مورخان شیعه نیز فقه شیعه را فقه جعفری و مذهب امامیه را مذهب جعفری نامیده اند (طبری، ۱۴۱۳: ۲۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۷، ۹). همچنین اینان معتقدند که این عنوان در عصر خود امام صادق علیه السلام به کار رفته است؛ چنان که ابوالصباح کنانی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

«درباره شما از مردم چه چیزها می شنویم [چه زخم زبان ها می شنویم]! امام علیه السلام فرمودند: «مگر درباره من از مردم چه می بینی؟» گفت: «هرگاه میان من و مردی سخنی درمی گیرد به من می گوید: «جعفری خبیث». امام علیه السلام فرمودند: «شما را به من سرزنش می کنند؟» ابوالصباح گفت: «آری». امام علیه السلام فرمودند: «به خداوند تعالی کسانی از شما که پیروی جعفر علیه السلام می کنند چه اندازه کم هستند! تنها اصحاب من کسی است که ورعش شدید باشد و برای خالقش عمل کند و ثواب او را امیدوار باشد. این ها اصحاب من هستند.» (کلینی (الف)، ۱۳۶۲: ج ۲، ۷۷).

در بررسی و نقد این دیدگاه از دو زاویه دید می توان بهره گرفت. زاویه اول آنکه می توان گفت که شرایط اجتماعی سیاسی و فرهنگی جامعه آن دوره وضعیت مناسبی برای نقش آفرینی امام صادق علیه السلام فراهم آورد. فساد ناشی از انحراف خلافت از مسیر احکام الهی، ورود عقاید نوظهور در جامعه، رشد فرقه های مختلف، (ابوزهره، بی تا: ۱۸)، تغییر احکام الهی، رواج فساد اخلاقی و منع نقل و نگارش احادیث مکتب علوی علیه السلام (نووی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۱۲۹؛ ابن سعد الهاشمی البصری، ۱۴۱۰: ج ۵، ۱۴۳) باعث اقبال مردم به امام صادق علیه السلام شد و اجازه کار بیشتری به ایشان داد.

اگر از حیث تاریخی مروری به شخصیت هایی که در این دوران زندگی می کردند داشته باشیم چهره هایی مانند ابن شهاب زهری، موسی بن عقبه، واصل بن عطا پایه گذار معتزله،

مقاتل بن سلیمان، ابوالهذیل علاف، ابن مقفع و دیگران کسانی بودند که در مباحث کلامی، فلسفی، حدیثی، تاریخی، تفسیری و... فعالیت داشتند. در واقع وجود این دانشمندان در عصر امام صادق علیه السلام نشانگر حیات زنده فرهنگی آن دوران و رواج تفکرات عقیدتی و رفتارهای فقهی متنوع مذاهب بود. افکار جدید بدون نصوص صریح یا اجتهاد در مقابل نص در همه جا توسعه یافت. توسل به رأی و قیاس و استحسان و محافل تعلیم این آموزه‌ها در همه جا دیده می‌شد (ابن خلدون، ۱۴۰۶: ج ۱، ۵۷۹). نبودن عقیده راسخ و واضح در افکار مردم باعث توسعه فساد و کشمش‌های طاقت‌فرسا شده بود. بعد از ظهور زنداقه فشار و فساد اجتماعی و اخلاقی همه جا را فرا گرفته بود.

ارتباط محکم این مباحث با موضوع، تبیین شرایطی است که امام صادق علیه السلام به دلیل پرداختن یا توجه به همه این امور دارای فعالیت حداکثری بوده‌اند؛ از این جهت روشنگر این مطلب است که تشیع فقه‌ای در عصر صادقین علیهم السلام وجود داشته است؛ لذا در مقام نقد این مطلب هستیم که اقدامات امام علیه السلام فعالیتی حداکثری در نشر فقه شیعه بوده است.

فضای سیاسی و اجتماعی حاکم تا جایی بود که امام علیه السلام گاهی شیعیان را به تقیه و همراهی با فقه عامه سفارش می‌کردند؛ چنان‌که روایت شده که به جهت سوءظن منصور عباسی به شیعه بودن داود بن زرّبی و همسایگی وی با منصور امام صادق علیه السلام به وی توصیه کردند که در وضو گرفتن تقیه کرده و همانند اهل سنت اعضای وضو را سه مرتبه بشوید. هنگامی که منصور یقین یافت که وی همانند شیعیان وضو نمی‌گیرد امام صادق علیه السلام فرمودند که از این پس همانند شیعیان وضو بگیر (کشی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۶۰۱). همچنین نقل شده که گاهی برای برخی از پیروان مذهب شیعه در امر نکاح و طلاق و سایر امور دینی مشکل پیش می‌آمد و چون حکم آن را نمی‌دانستند و دسترسی به امام خویش نداشتند از راه احتیاط در امر دین از همسر خود کناره گرفته و در ناراحتی به سر می‌بردند؛ از این جهت جامعه شیعیان در فشار سختی قرار داشت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ۲۳۸). این مباحث در باب تقیه است و ارتباط آن با بحث اصلی در تبیین شرایط سخت سیاسی شیعه نیز روشن می‌شود که امام علیه السلام برای این جامعه نیز فعالیت داشته‌اند.

براساس آنچه تبیین شد با توجه به شکل‌گیری مفهوم شیعه در عصر نبوی صلی الله علیه و آله فقه شیعه را استمرار فقهات عصر نبوی صلی الله علیه و آله می‌دانند و معتقدند در جریان سقیفه با صف‌آرایی دو

مکتب، پیروی از مکتب علوی علیه السلام در برابر تغییرات فقهی مکتب خلفا قرار گرفت؛ لذا شیعیان معتقدند که نخستین دوره شکل‌گیری فقه شیعی زمان رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و پیروی در فقه با تکیه بر ولایت و اختصاص آن به اجرای حدود الهی مبتنی بر وجود امام معصوم علیه السلام در روی زمین (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، باب الحجّه)، مختص دوره خاصی نیست؛ لذا با نگارش کتاب‌های فقهی و عمل به دستورات فقهی نشان دادند که اطاعت از امام معصوم علیه السلام مختص زمان خاصی نیست.

موضوع دیگر که اهمیت پرداخت به فقه شیعه را در عصر صادقین علیهم السلام دوجندان کرد گستردگی تشیع در مناطق مختلف و فشار سیاسی بنی‌عباس بر شیعیان بود. این فضا باعث شد تا کسانی در پی فرقه‌سازی باشند (کشی، ۱۳۶۳: ش: ۳۲۴)؛ تا جایی که امام علیه السلام مجبور بودند به تبیین انحرافات آنان بپردازند. امام علیه السلام در این باره فرمودند: «کار ما به جایی رسیده که روز را درحالی به شب می‌رسانیم که هیچ کس بیشتر از مدعیان دوستی ما، دشمن ما نیست.» (کشی، ۱۳۶۳: ش: ۳۰۷). همچنین کسانی به نام آن حضرت علیه السلام دروغ می‌گفتند (کشی، ۱۳۶۳: ش: ۳۵۲) و تلاش داشتند فقه شیعه را به گونه‌ای دیگر منعکس کنند تا فضا را بر ضد آنان تحریک کنند؛ چنان که میمون بن عبدالله گفت:

«گروهی خدمت امام صادق علیه السلام برای شنیدن حدیث آمدند. امام علیه السلام به یکی از آنان فرمودند: «از علومی که استفاده کرده‌ای برای ما نقل کن تا ببینم چه داری و مقامت برای ما معلوم شود.» گفت: «سفیان ثوری من را از جعفر بن محمد حدیث کرد که آن جناب فرموده‌اند: «نبیذ همه نوعش حلال است؛ مگر شراب.» دیگر چیزی نگفت. وی چندین روایت دیگر در باب احکام که برخلاف عقاید شیعه بود نقل کرد. امام علیه السلام ابتدا سکوت کرده و فرمودند: «این حدیث‌هایی که نقل کردی همه به نظر تو درست است؟» گفت: «بلی. این‌ها حدیث‌های مشهور در شهر و دیار ماست که مردم شکی در آن‌ها ندارند.» امام علیه السلام فرمودند: «اگر جعفر بن محمد را ببینی و از خودش بشنوی که این احادیث دروغ هستند چه خواهی گفت؟» پاسخ داد: «از او نمی‌پذیرم؛ زیرا کسانی این سخنان را از او نقل کرده‌اند که گواهی آنان پذیرفتنی است.» (کشی، ۱۳۶۳: ش: ۳۹۳).

از آنجا که برخی از مخالفان شیعه تلاش داشتند تا شیعیان را بی سواد جلوه دهند (کشی، ۱۳۶۳ش: ۳۸۴) امام صادق علیه السلام کوشیدند شیعیان را به عنوان یک گروه اجتماعی متمایز از دیگر مسلمانان که دارای یک نظام واره مشخص اعتقادی بوده و از توان علمی در تمامی حوزه‌ها به ویژه فقه برخوردار است مطرح سازند. روند گسترش تفکر خلفا و حاکمیت فقه اهل سنت در جامعه باعث شد تا شیعیان در مناطق مختلف از فقه خود غافل بمانند؛ لذا در این دوره تمیز شیعه از غیر آنان هدفی بود که امام علیه السلام به آن جامعه عمل پوشاند و فقه شیعه را از قالب محفوظات به تمام بلاد اسلامی نشر داد تا علاوه بر رشد شیعیان، علم اهل بیت علیهم السلام را به جهان اسلام عرضه کنند؛ چنان که امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند:

«پس از امام سجاد علیه السلام شیعیان در شرایطی قرار گرفتند که احکام حجشان را نمی دانستند و حتی با حلال و حرام خودشان هم آشنا نبودند؛ تا اینکه امام باقر علیه السلام آمدند و گشایشی برای آنان پدید آوردند و احکام حج و حلال و حرام را به آنان آموختند؛ بنابراین شیعیان که پیش از این درباره احکام دین به دیگران رجوع می کردند از این پس ایشان را مرجع قرار دادند. این روند همچنان ادامه داشت و من [امام صادق علیه السلام] در چنین جایگاهی قرار دارم.» (کلینی، ۱۳۶۲ش: ۲، ۱۹).

در بیان شواهد تاریخی تشیع فقهاتی در زمان قبل از صادقین علیهم السلام نمونه های زیادی وجود دارد؛ از جمله ابلاغ های اجرایی که پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره احکام کلی قرآن داشتند و آن ها را به اصحاب خود امر می کردند تا ابلاغ و اجرا کنند؛ به عنوان نمونه امیر مؤمنان علی علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در یمن مأمور بود تا به طایفه تازه مسلمان زبیر فقه و قرآن بیاموزد (واقعی، ۱۴۰۹: ۳، ۱۰۸۲).

از ابی سعید خدری منقول است که گفت:

«مردم [در حجة الوداع] از علی علیه السلام نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان ما به سخنرانی برخاست و من شنیدم که می فرمودند: «ای مردم، از علی علیه السلام شکایت نکنید. به خدا سوگند که او برای خداوند تعالی و در راه خداوند تعالی پافشارتر است از آنکه از او شکایتی شود.» (کلینی، ۱۳۷۵: ۵، ۷۱۲).

«رسول خدا ﷺ حج خود را به پایان آورد و به مردم مناسک آن‌ها را نمود و سنن و دستورهای حج را به آن‌ها اعلام کرد و به آنان آموخت. [۱.] ای مردم، راستی خون و مال شما بر شما حرام است؛ [۲.] به هرکه امانتی سپرده است آن را بدان که به وی سپرده تا بپردازد؛ [۳.] راستی هر مقدار از ربا ملغی شده است؛ ولی شماها سرمایه خود را دارید و بستانکارید؛ نه ستم کنید و نه ستم شوید. خدا فرمان داده که راستش ربا نباید باشد؛ [۴.] ای مردم، به راستی "نسیء" (پس انداختن حج از ذی حجه) فزودن بر کفر است. کفار بدان گمراه می‌شوند. یک سال حلالش کنند و یک سال حرامش کنند تا شماره آنچه را خدا حرام کرده موافق سازند؛ پس حلال کنند آنچه را خدا حرام کرده و حرام شمارند آنچه را خدا حلال کرده است؛ [۵.] ای مردم، شما را بر همسراتان حقی است و آن‌ها بر شما حقی دارند. قرآن مجید در این احکام آیاتی دارد: [۱.ا.] "و برای آن‌هاست بمانند آنچه بر عهده آن‌هاست." (بقره، ۲۲۸)؛ [ب.] "زن‌های خوب خداپرست و پارسایند و خودنگهدار به نگهداری خدا." (نساء، ۳۴) [۶.] بدانید که هر مسلمانی برادر مسلمان دیگر است و مسلمانان همه برادرند.» (کلینی (ب)، ۱۳۷۵، ج ۵، ۷۱۲-۷۱۴).

پس از رسول خدا ﷺ بیان احکام الهی به وصی ایشان علی بن ابی طالب علیه السلام و سپس امام حسن و امام حسین علیه السلام محول شد که به‌رغم درگیری‌ها و التهاب‌های بسیار زیاد در زمان آن‌ها سخنرانی‌ها و خطابه‌های متعددی در قالب‌های گوناگون از جمله احکام تشریعی از ایشان نقل شده است.

در زمان صادقین علیه السلام به‌علت رویدادهای سیاسی در جامعه آن روز به‌ویژه نزاع امویان و عباسیان، نشر و ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام در حوزه‌های مختلف به اوج خود رسید و این برهه بستر بسیار مناسبی جهت ترویج معارف اسلامی شد. منتها دیری نباید که حکام وقت که با دستاویز قرار دادن انتقام از قاتلان اهل بیت رسول خدا ﷺ به قدرت رسیده بودند به تدریج خوی استکباری خود را نشان داده و عرصه را بر خاندان رسول خدا ﷺ محدود کردند. باین حال و به‌رغم اختناق شدید در عصر عباسیان اهل بیت علیهم السلام از پای ننشسته و از مسیرها و راه‌های مختلف معارف الهی را نشر دادند؛ البته تعداد روایات صادره

به وسعت دوره صادقین (علیه السلام) نبوده؛ اما همان میزان از احکام و شرایع وارده در آن عصر تاریک، خود حاکی از تداوم شبکه فقهاتی اهل بیت (علیهم السلام) در آن زمان است که برای نمونه به تعدادی اشاره می شود.

مباحثی که تا بدین جا مطرح شد در واقع تبیینی بر شکل گیری تشیع در عصر صادقین (علیه السلام) است که در حقیقت این روند تأییدی بر حرکت تشیع فقهاتی و امامتی عصر نبوی (صلی الله علیه و آله) و تلاش در جهت توسعه و تداوم آن از زمان این دو امام بزرگوار به بعد بوده است.

زاویه دید دیگر درباره بررسی دیدگاه شکل گیری تشیع فقهاتی در عصر صادقین (علیه السلام) بررسی نقش علمی و فرهنگی امام (علیه السلام) است. امام جعفر صادق (علیه السلام) در مسیر تکاملی حرکت شیعه گام دوم که اصطلاح و تدوین و نشر فقه شیعه بود را برداشتند؛ یعنی پس از آنکه مردم بر اثر مجاهدت های امامان پیشین (علیهم السلام) به ناصحیح بودن مذهب رسمی حاکم بر جامعه و دیگر اندیشه های منبعث از آن و نیز حرکت های سیاسی مبتنی بر آن در سال های گذشته پی بردند، آماده بودند تا طرح جایگزین مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را مطرح کنند؛ بنابراین با تکیه بر این تلاش شیعه دوازده امامی را شیعه جعفری نیز خوانده اند. این نشان از جایگاه برجسته و والای امام جعفر صادق (علیه السلام) در تدوین معارف شیعی و همچنین هویت یابی شیعی دارد.

شیعیان امام خویش را مفترض الطاعه می دانستند و از دیگر سو با گسترش تشیع در مناطق مختلف و وجود فشار سیاسی حاکمیت در کنترل شیعیان، امام (علیه السلام) با استفاده از موقعیت فراهم شده به انتشار احادیث فقهی و تدوین متون دینی و فقهی برای تشخیص شیعه از غیر شیعه اقدام کردند؛ چنان که حتی ائمه اطهار (علیهم السلام) با اصلاح و بررسی نوشته های شیعیان آن را آماده نشر می کردند. عبیدالله حلبی کتاب خود را به امام صادق (علیه السلام) عرضه کرد و امام (علیه السلام) آن را بررسی و تأیید کردند (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۳۱)؛ بنابراین به نظر می رسد که دوران امام صادق (علیه السلام) و به تبع آن فعالیت ایشان بسیار متفاوت با امامان پیش از خود بود؛ زیرا در واقع از دوران امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) است که شیعه از نوعی ثبات و آرامش خاطر برخوردار می شود و به همین خاطر صادقین (علیهم السلام) موفق به تدوین هویت و معارف شیعی می شوند.

۴. همگامی شیعه فقهاتی با شکل گیری تشیع اعتقادی

روشن شد که مفهوم و مبانی تشیع در اعتقاد به امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شکل گرفت. شیعیان براساس روایات رسیده از امامان خویش معتقدند آنچه نقل می کنند از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند؛ لذا تشیع اعتقادی و تشیع فقهاتی با هم همگام بوده و چیزی جدا از هم نیستند؛ اما وقتی جریان سقیفه به جدایی دو مکتب خلفا و اهل بیت علیهم السلام از هم منجر شد تشیع اعتقادی به شکل رسمی با ویژگی های کلامی فقهی متمایز و در قالب یک مذهب ادامه حیات داده و در مناطق مختلف با مدیریت امامان بعدی علیهم السلام گسترش یافت. در عصر صادقین علیهم السلام با وجود هریک از رخدادهای سیاسی و فکری و فرهنگی، امام صادق علیه السلام با تبیین و نشر فقه شیعه در تشخص شیعه فقهی اعتقادی از دیگر فرقه ها تأثیر بسزایی داشتند.

انتخاب لقب رئیس مذهب برای امام صادق علیه السلام به این دلیل بوده که این امام بزرگوار به جهت آزادی عملی که بر اثر درگیری امویان و عباسیان به وجود آمد توانست در حد وسیعی به توسعه فکری مذهب تشیع بپردازد و این معنا نفی تلاش دیگر امامان علیهم السلام نیست؛ بنابراین اصطلاح رئیس مذهب شیعه که اغلب بر امام صادق علیه السلام اطلاق می شود ناظر به فقه شیعی در برابر مذاهب اهل سنت است؛ وگرنه اساس تشیع و مکتب امامت از لحاظ معارف بنیادی در عرض مذاهب فقهی نبوده و معارف اصلی اسلامی را شامل می شود که جز در مکتب اهل بیت علیهم السلام وصول نمی شود. اکنون برای اثبات این موضوع لازم است تا با ارائه نقد درباره زمان شکل گیری تشیع فقهاتی، شواهد تاریخی و فقهی درباره وجود روایات فقهی امامان قبل از امام صادق علیه السلام ارائه شود.

برخی نویسندگان شیعه برای اثبات شکل گیری تشیع اعتقادی در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از ویژگی های اصلی شیعه را پابندی فقه دانسته و با استناد به برخی روایات از جمله روایت طبری در المسترشد فی الامامه (طبری، ۱۴۱۵: ۱۹۱ تا ۲۰۶) اثبات می کنند که عده ای از شیعیان امام علی علیه السلام از جمله ابوذر و سلمان در زمان آن حضرت علیه السلام قائل به آراء فقهی او بوده و دستورات او را اجرا می کردند (عبدالله فیاض، ۱۳۸۲: ۵۷). نیز ابو عبیده در کتاب الاموال درباره احکام فقهی امام علی علیه السلام و تقید شیعیان به مباحث فقهی و مراجعه به امام خویش می نویسد: «علی بن ابی طالب علیه السلام معدن را رکاز [گنج]

نامید و حکم گنج را بر آن اجرا کرد و از آن خمس گرفت.» (ابن سلام هروی، ۱۴۰۸: ۴۲۶). همچنین کسی معدنی را به صد گوسفند فروخته بود و امام علی علیه السلام از فروشنده خمس معدن را گرفتند (ابن سلام هروی، ۱۴۰۸: ۴۲۶؛ ابن زنجویه النسائی، بی تا: ۷۴۳). همچنین امام علی علیه السلام در عراق مردی را که هزار و پانصد درهم گنج پیدا کرده بود امر کرد که اگر آن را در روستای غیرآباد پیدا کرده خمس آن را پردازد (ابن سلام هروی، ۱۴۰۸: ۴۲۹؛ بیهقی، بی تا: ۴، ۱۵۶).

در منابع روایی و تاریخی نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام همیشه در شمارش فقیهان از صحابه دیده می شود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۳۵ و ۳۷۶؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۱۵، ۱۴۶). قرار گرفتن امام علیه السلام در مقام خلافت طی چند سال شرایطی را فراهم آورد که آن حضرت علیه السلام در معرض قضا و هم استفتا قرار گیرد و اقوال منقول از او نقش مؤثری در فقه پسین بر جای گذارد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۳۵ و ۳۷۶). در منابع، سخن بسیار است از اینکه نه تنها تابعان، بلکه صحابه در فتاوی و اقوال فقهی به آن حضرت علیه السلام رجوع می کردند و از او در حل معضلات یاری می طلبیدند (نووی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۱۷). ابن عباس بر این نکته تأکید دارد که هرگاه چیزی برای ما [صحابه] از علی علیه السلام ثابت می شد به سخن دیگری عدول نمی کردیم (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۳، ۱۱۰۴). همچنین در روایات دیگری بر این نکته تأکید شده است که اگر صحابه چیزی را در فقه و احکام شرعی نمی دانستند به امام علی علیه السلام رجوع می کردند؛ زیرا وی در مدینه اعلم بود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۳، ۱۱۰۴).

۵. نقش ویژه ائمه علیهم السلام

از ویژگی های اصلی امام در اندیشه شیعه امامیه این است که وی در حوزه هدایت دینی و سیاسی جامعه دارای علم الهی باشد تا جامعه دچار تحیر نشود. شیعیان با اعتقاد به علم الهی ائمه علیهم السلام در زمانی که با مسئله ای روبه رو می شدند و پاسخ آن را نمی دانستند می کوشیدند تا آن مسئله را به ایشان ارجاع و پاسخ آن را دریافت کنند (صدوق؛ مفید، ۱۴۱۴: ج ۱، ۴۴)؛ زیرا از نظر شیعیان ممیز بین شیعه و دیگر فرق در علم الهی امام به همه امور بود. با فرض اثبات علم امام اطاعت از وی نیز واجب می شد.

در گزارشی درباره مرجعیت علمی ائمه علیهم السلام و نقش آن در گسترش تشیع آمده است:

«روزی شخصی به نام ابوالمعتز از عبدالله بن عباس (م ۶۸ق) دربارهٔ ویژگی‌های امام علی علیه السلام به‌ویژه علم وی پرسید. ابن عباس با مهارت کامل در جواب وی گفت: «نظرت دربارهٔ علی علیه السلام چیست؟ آیا به نظر تو من آگاه‌ترم یا ایشان؟» مرد گفت: «اگر علی علیه السلام در نظرم آگاه‌تر بود از تو سؤال نمی‌کردم.» ابن عباس خشمگین شد و به مرد خطاب کرد: «مادرت به عزایت بنشیند. علی علیه السلام به من علم آموخت و علم او از رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. پیامبر او را از فوق عرش آموخت. علم پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند تعالی و علم علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و علم من از علی علیه السلام بود و علم تمام اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر علم علی علیه السلام مانند یک قطره در مقابل هفت دریاست.» (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۷۰).

وسعت دانش امیرالمؤمنین علی علیه السلام امری است که بازتاب آن در انبوهی از احادیث دیده می‌شود؛ البته آنچه بیشتر به دانش فقهی امام علیه السلام مربوط می‌شود روایاتی از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله است که آن حضرت علیه السلام را آگاه‌ترین فرد به قضا در میان صحابه معرفی کردند (ابن‌ماجه، بی‌تا: ج ۱، ۵۵) و درعمل نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علیه السلام را برای قضاوت به یمن فرستادند (زید بن علی، ۱۳۸۷: ۲۹۵؛ ابن حزم، بی‌تا: ج ۹، ۳۶۷). همچنین رجوع مکرر خلفا به قضاوت‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام در منابع ثبت شده است (بیهقی، بی‌تا: ج ۷، ۴۴۲)؛ ازاین‌رو از همان سده‌های نخست هجری آثار متعددی در زمینهٔ داوری‌های حضرت علیه السلام نوشته شده است (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۱۰۷ و ۱۳۱) که در حوزهٔ اختصاصی شیعیان تبیین شده است؛ بلکه در مذاهب و نحله‌های دیگر مسلمانان و حتی غیر از آن‌ها نیز استاد و استفاده شده است.

از ویژگی‌های فقه امیرالمؤمنین علی علیه السلام توجه کردن به کتاب و سنت نبوی صلی الله علیه و آله است. التزام به مضامین کتاب خداوند تعالی در مرحلهٔ نخست و درصورت یافت نشدن حکمی در آن رجوع به سنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله به‌عنوان مبنا در برخی از مواضع منقول از آن حضرت علیه السلام تأکید شده است (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۵، ۵۳ و ۵۴). در مسائل مستحدثه نیز امام علیه السلام توجهی خاص داشتند؛ ازجمله در باب مسئلهٔ اجیر مشترک که در سرزمین‌های مفتوح مسئله‌ای حساس بود ازسوی امام علیه السلام به آن توجه و تفاوت‌های آن با اجیر خاص بررسی شد. در منابع گوناگون از اهل سنت و زیدیه و امامیه انتساب نظریهٔ ضمان اجیر مشترک به حضرت علیه السلام تأیید شده است (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۲۴۲ و ۲۴۳؛ طوسی،

۱۳۸۲ق: ج ۷، ۲۱۷ و ۲۱۹ و ۲۲۰). همچنین امام علیه السلام در زمانی که استفاده از سکه رواج یافته بود در تقویم دیه، پول را به جای حیوانات جایگزین کردند (طوسی، ۱۳۸۲ق: ج ۱۰، ۲۵۵). همچنین وجود نسخه‌هایی مدون با عنوان الجامعة یا کتاب امام علی علیه السلام که مشتمل بر مباحث فقهی بود، افزون بر آنکه به عنوان نخستین کوشش‌ها در تدوین حدیث از سوی امام علی علیه السلام تلقی می‌شود، دارای جایگاه مهمی در تدوین فقه نیز است. در برخی از منقولات ائمه علیهم السلام از کتاب امام علی علیه السلام یاد شده است (طوسی، ۱۳۸۲ق: ج ۲، ۲۴۳).

عملکرد حضرت علیه السلام در دوره خلافت، خود آموزشی مهم برای فقها بود؛ از جمله محمد بن حسن شیبانی شاگرد ابوحنیفه یادآور شده است که اگر علی علیه السلام نبودند ما درباره حکم اهل بغی چیزی نمی‌دانستیم. وی تک‌نگاشتی در احکام بغی نوشت که در آن سصد مسئله را بر مبنای فعل حضرت علیه السلام بنا نهاده بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۲، ۴۴). از میان مذاهب اربعه به خصوص به مذهب حنفی باید اشاره کرد که در شجره‌ای نمادین فقه خود را برگرفته از دو صحابی، یعنی امام علی علیه السلام و ابن مسعود می‌دانسته و بدان فخر می‌کرده است (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۱۳).

پس از امیرالمؤمنین علیه السلام امامان بعدی شیعه نیز روایات فقهی در موضوعات مختلف را با تناسب مراجعه شیعیان و فضای سیاسی و اجتماعی صادر کرده‌اند و منابع مکتوب شیعه این آراء فقهی را ثبت کرده‌اند. در این منابع روایات فقهی امام حسن (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۶، ۲۳؛ طوسی، ۱۳۸۲ق: ج ۲، ۳۲۳) و امام حسین (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۴۲۸ و ج ۲، ۳۷۳) و امام سجاد علیه السلام دیده می‌شود. شیخ حر عاملی در وسائل الشیعة بابی تحت عنوان «باب وجوب الرجوع فی جمیع الاحکام الی المعصومین علیهم السلام» گشوده که حاوی احادیث اهل بیت عصمت علیهم السلام در این زمینه است (حر عاملی، بی‌تا: ج ۱۸، ۴۱). در گزارشی ابوبصیر از ابو خالد کابلی نقل می‌کند که ابو خالد مدتی در خدمت محمد حنفیه بود؛ تا اینکه او را به حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام قسم می‌دهد که آیا تو امام مفترض الطاعة بر خلق هستی؟ محمد در پاسخ می‌گوید: «به امر عظیمی مرا سوگند دادی. بدان که امام من و تو و هر مسلمانی علی بن حسین علیه السلام است». سپس ابو خالد به سراغ امام سجاد علیه السلام می‌آید و معجزه‌ای از علم الهی ایشان می‌بیند و تسلیم حضرت علیه السلام می‌شود (طوسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۳۳۶).

نجاشی در شرح حال محمد بن عذافر صیرفی می نویسد که وی از پدرش نقل می کند: «همراه حکم بن عتیه به محضر امام باقر علیه السلام رسیدم. حکم از امام علیه السلام سؤالاتی کرد و ایشان پاسخ دادند؛ تا اینکه در مسئله ای گفت و گویی پیش آمد. امام علیه السلام به فرزندشان فرمودند: «برخیز و کتاب علی علیه السلام را بیاور!» سپس فرمودند: «این کتاب املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله و به خط علی علیه السلام است.» آن گاه حضرت علیه السلام رو به حکم کردند و فرمودند: «ای ابامحمد! تو و سلمه بن کهیل و ابوالمقدام هر جای زمین را خواستید بپیمایید؛ اما به خداوند تعالی سوگند! هرگز دانشی محکم تر و عالی تر از آنچه در میان این قوم [اهل بیت علیهم السلام] که جبرئیل بر آنان فرود می آمد پیدا نخواهید کرد.» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۶۰).

امامان شیعه علیهم السلام بر این نکته تأکید داشتند که فقه ائمه اطهار علیهم السلام همان فقه رسول خداوند صلی الله علیه و آله است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «حدیث من حدیث پدرم و حدیث پدرم حدیث جدم و حدیث جدم حدیث علی بن ابی طالب و حدیث امیر مؤمنان علیه السلام حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و حدیث رسول خدا فرمایش خداوند تعالی است.» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۵؛ اربلی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۱۷۰). نیز فرمودند: «ای شیعیان! آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سنت او و آثار ائمه هدی علیهم السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را مد نظر داشته باشید.» همچنین آنان شیعیان را به علوم اهل بیت علیهم السلام ارجاع می دادند و غیر آن را علم الهی نمی دانستند؛ چنان که امام صادق علیه السلام به یونس بن ضببان فرمودند: «ای یونس! علم راستین پیش ما اهل بیت است؛ زیرا ما راه های حکمت و میزان تشخیص خطا از صواب را به ارث برده ایم.» (حر عاملی، بی تا: ج ۱۸، ۴۸). ابان بن تغلب نیز به عنوان یک شیعه واقعی امام صادق علیه السلام، مذهب شیعه را چنین تعریف می کند: «شیعیان کسانی هستند که هرگاه مردم در قول رسول خدا صلی الله علیه و آله اختلاف می کنند سخن امیر مؤمنان علیه السلام را می گیرند و وقتی در سخن ایشان اختلاف می کنند قول جعفر بن محمد صادق علیه السلام را می پذیرند.» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۲). همچنین امام صادق علیه السلام تأکید داشتند که احادیثشان همان احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی از بررسی و نقد دیدگاه شکل‌گیری تشیع فقه‌ای در عصر صادقین (علیهم‌السلام) روشن شد که ایجاد مفهوم و مبانی مذهب تشیع در عصر نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده است که با آغاز امامت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شیعیان موظف بوده‌اند تا از ایشان در مسائل سیاسی و دینی پیروی کنند. این پیروی با توجه به استمرار دین اسلام در قالب مذهب تشیع نشانگر آن است که پایه‌های شکل‌گیری تشیع نیز در همان عصر نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فراهم شده و بعد از رحلت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شیعیان از غیر امام معصوم (علیه‌السلام) اطاعت نمی‌کنند؛ لذا شیعیان با واجب دانستن اطاعت از امام خویش دستورات فقهی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را نیز اطاعت کرده‌اند. دلیل انتخاب این دیدگاه شواهد تاریخی و کتاب‌های فقهی است که دیدگاه‌های فقهی و مراجعات مردم به امام خویش را ثبت کرده‌اند. آنان ضمن اعتراف به افقه بودن امام (علیه‌السلام) و داشتن فتاوی شیعی و مخصوص به خود، او را صاحب فقه مجزای از دیگران معرفی کرده‌اند یا از فقه امام (علیه‌السلام) در آثار خود بهره برده‌اند. در عصر صادقین (علیهم‌السلام) نیز با توجه به وجود شرایط خاص، برای حراست و ماندگاری فقه شیعه در جهت گسترش تشیع، روایات فقهی بسیاری از امام صادق (علیه‌السلام) صادر شد و با تلاش بیشتری از سوی شیعیان نشر میراث شیعه دنبال و در قالب متون فقهی منتشر شد.

فهرست منابع

۵۳

۱. ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد، بی تا، المحلّی فی شرح المجلّی، به تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: دار الجیل.
۲. ابن خزاز، علی بن محمد، ۱۴۰۱ق، کفایة الاثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام، قم: بیدار.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۰۶، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، به تحقیق خلیل شحادة، بیروت: دار الفکر.
۴. ابن زنجویه النسائی، حمید، بی تا، الاموال، به تحقیق شاکر زب فیاض، عربستان: ملک فیصل.
۵. ابن سعد الهاشمی البصری، محمد بن سعد، ۱۴۱۰، الطبقات الكبرى، به تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶. ابن سلام، ابو عبیده قاسم، ۱۴۰۸، الاموال، به تحقیق محمد خلیل هراس، بیروت: دار الفکر.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۹۴، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو جعفر، ۱۳۷۹ق، المناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: مؤسسه العلامة للنشر.
۹. ابن عبدالبر، ابو عمر، ۱۴۱۲، الاستیعاب، به تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
۱۰. ____، ۱۳۸۷ق، التمهید، به تحقیق مصطفی بن أحمد العلوی، مغرب: وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الإسلامی.
۱۱. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، بی تا، سنن ابن ماجه، به تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي،

بيروت: دار الفكر.

١٢. ابوزهره، محمد، بي تا، المذاهب الاسلامية، قاهره: دار الفكر العربي.
١٣. امين، احمد، ٢٠٠٣، ضحى الإسلام: نشأه العلوم فى الزمان العباسى الأول، قاهره: مكتبه الأسره.
١٤. __، ١٩٣٣، فجر الاسلام، بيروت: دار الكتاب العربى.
١٥. امين، سيدمحسن، ١٤٠٣، اعيان الشيعة، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
١٦. توال، فرانسوا، ١٣٧٠، ژئوپولوتيك شيعه، ترجمه محمد رضا عطايى، مشهد: آستان قدس رضوى.
١٧. حرعاملى، محمد بن حسن، بي تا، وسائل الشيعة، به تحقيق محمد الرازي، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
١٨. دوايت، م. دونالدسن، ١٤١٠ق، عقيدة الشيعة، بيروت: نشر مفيد.
١٩. زيد بن على، ١٣٨٧، مسند الامام زيد للامام زيد بن على بن الحسين بن ابى طالب عليه السلام، قم: موسسه فرهنگى و اطلاع رسانى تبيان.
٢٠. زين عاملى، محمد حسين، بي تا، الشيعة فى التاريخ، ترجمه على رضا قاسم آقا، تهران: بي تا.
٢١. سيوطى، جلال الدين، بي تا، الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، بيروت: الدار المعرفه.
٢٢. صدر، سيد محمد باقر، ١٤١٧، نشأه التشيع و الشيعة، قم: مركز الغدير للدراسات الإسلامية.
٢٣. صدوق، محمد بن على، ١٣٩٥، كمال الدين و تمام النعمه، تهران: اسلاميه.
٢٤. طبرى، محمد بن جرير، ١٤١٥، المسترشد فى الامامة على بن ابى طالب عليه السلام، قم: مؤسسه الثقافه الإسلامية لكوشانبور.
٢٥. __، ١٤١٣، دلائل الامامة، به تحقيق الدراسات الاسلاميه، قم: مركز الطباعة و النشر فى مؤسسه البعثه.

۲۶. ____، ۱۳۸۷ق، تاریخ الأمم و الملوك، به تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

۲۷. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۴، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، به تصحیح میرداماد استرآبادی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

۲۸. ____، ۱۴۱۷، الفهرست، به تحقیق جواد القیومی، بی جا: مؤسسة نشر الفقاهة.

۲۹. ____، ۱۳۸۲ق، تهذیب الاحکام، نجف: چاپ حسن موسوی خراسان.

۳۰. عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷۶، وسائل الشیعه، تهران: چاپخانه اسلامی.

۳۱. عبدالرزاق، علی، بی تا، الاسلام و اصول الحکم، بیروت: مکتبه الحیاء.

۳۲. علم الهدی، علی بن حسین، ۱۴۱۰، رسائل، قم: دار القرآن الکریم.

۳۳. فیاض، عبدالله، ۱۳۸۲، پیدایش و گسترش تشیع، ترجمه جواد خاتمی، سبزوار: ابن یمین.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، الکافی، تهران: اسلامیة.

۳۵. ____، ۱۳۷۵، الکافی، ترجمه سید محمد باقر کمره ای، قم: اسوه.

۳۶. کاشف الغطاء، محمد حسین، ۱۴۱۰، اصل الشیعة و اصولها، بیروت: دار الاضواء.

۳۷. کشی، محمد بن عمر، ۱۳۶۳، رجال کشی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

۳۸. گلدتیسهر، اینگناتس، بی تا، العقيدة و الشریعة فی الاسلام، ترجمه عربی محمد یوسف موسی، بی جا: بی نا.

۳۹. لالانی، ارزینا. آ.ر، ۱۳۸۱، نخستین اندیشه های شیعی تعالیم امام محمد باقر علیه السلام، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز.

۴۰. مالک بن انس، ۱۴۰۶، المؤطا، به تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴۱. مدنی، سید علی خان، ۱۳۹۷ق، الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، قم: منشورات مکتبه بصیرتی.

۴۲. مظفر، محمدرضا، ۱۳۷۹، تاریخ تشیع، ترجمه سید محمد باقر حجتی، قم: نشر فرهنگ اسلامی.

۴۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۴، الاعتقادات و تصحیح الاعتقادات، قم: کنگره شیخ مفید.

۴۴. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، ۱۴۱۶، رجال نجاشی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴۵. نوبختی، حسن بن موسی، ۱۳۵۳، فرق الشیعه، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۴۶. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت الإحياء التراث.

۴۷. نووی، ابوزکریا، ۱۴۰۷، شرح مسلم، بیروت: دار الكتاب العربي.

۴۸. یعقوبی، احمد، ۱۴۲۵، تاریخ یعقوبی، قم: انتشارات المكتبة الحیدریه.